

هرگز کار سفارشی نکردام

■ بازی در نقش روحانیون از چالش‌های جذاب و پرطرفدار بین بازیگران مرد سینمای ایران است که البته ترس و دلهره‌هایی هم برای پذیرش آن وجود دارد. بابک حمیدیان چطور برای قبول این نقش ترغیب شد؟

با بابک حمیدیان همکاری زیادی داشتم. هم به توانایی‌اش اعتقاد داشتم و هم رابطه حرفه‌ای خوبی بین‌مان برقرار است. بازی در نقش شخصیت روحانی در جامعه سینمایی حساسیت‌برانگیز است و بعضاً با احتیاط سراغ این نقش‌ها می‌روند. این احتیاط صرفاً جنبه اجتماعی ندارد بلکه نگرانی از درآوردن جزئیات نقش و مهمتر از آن قضاوتی است که بعدها آقایان طلاب راجع به بازیگران این نقش می‌کنند. بابک به خوبی قصه را فهمید و با توجه به سختی سکانس‌ها که هم التهاب درونی داشت و هم التهاب بیرونی (زد و خورد و دعوها) پرانرژی و خوب ظاهر شد. خیلی خوشحالم که آقای حمیدیان این نقش را بازی کرد. در ارتباط با بقیه نقش‌ها هم همین‌طور. اساساً مهم‌ترین مؤلفه ما در انتخاب بازیگران باورپذیری نقش بود نه اینکه از چهره‌های معمول سینما باشد. امروز ترکیب بازیگران فیلم‌ها به گونه‌ای شده که اگر عکس فیلم‌ها را ببینید متوجه نمی‌شوید برای کدام فیلم است. همه شبیه هم شده‌اند. از ابتدا قرارمان با آقای تخت‌کشیان این بود که سراغ بازیگرهایی برویم که به نقش می‌خورند؛ فارغ از اینکه بازیگر جریان عادی سینما هستند یا نه. نتیجه برای من خوشایند است. همیشه آرزو داشتم با آقای ارجمند که بازیگر بسیار توانمندی است همکاری کنم. همین‌طور خوشحالم از همکاری دوباره با خانم لیلا زارع. برای نقش هومن هم بعد از ماه‌ها جست‌وجو بین بازیگران به محمد علیمحمدی رسیدیم. خیلی خوب و پرانرژی سرکار آمد و جزئیات مهمی در نقش ایجاد کرد. آقای مسعود دلخواه هم با پرهیز از کلیشه‌های همیشگی، شخصیت بیگدلی متفاوتی ساخت. چون خودم تجربه بازی دارم همکاری با بازیگرها برایم لذت‌بخش است و از وقتی که با هم می‌گذرانیم انرژی می‌گیرم.

■ با انصاف بازیگرانی همچون بابک حمیدیان از جشنواره، نگاه‌ها نسبت به عملکردشان در جشنواره امسال جدی‌تر شده است. بخصوص با حواشی که بعد از برنامه هفت و نامه او در واکنش به این برنامه ایجاد شد. در این نامه بابک حمیدیان گلایه‌ای ضمنی کرده بود از مسأله‌ای که چند سالی است عده‌ای سعی در دامن زدن به آن دارند؛ همان خط‌کشی‌ها و خودی و ناخودیی کردن اهالی سینما. در رابطه با این فیلم هم شاید خیلی‌ها گلایه کنند که چطور شما می‌توانید راجع به چنین موضوعاتی فیلم بسازید اما دیگران نه.

از این حواشی بی‌خبرم و تلاشم این است که از حاشیه‌ها و حتی جمع‌هایی که این مباحث مطرح است پرهیز کنم. چرا که معتقدم در این بحث‌ها اصل و ماهیت سینما فراموش می‌شود و آدم‌ها فقط یکدیگر را قضاوت می‌کنند. این روزها نگاه و دقت حرفه‌ای به کار دیگران نداریم و به همین خاطر گاهی سینما از ذات همیشگی‌اش فاصله می‌گیرد. همان قضاوت و نگرش تندی که نسبت به برخی فیلمسازها با برچسب سفارشی‌ساز وجود دارد نسبت به فیلمسازهای مستقل هم با برچسب‌های دیگر دیده می‌شود. مقصودم این است که وقتی وارد این جو می‌شویم همه لطمه می‌بینند. کاش این حق را به هم بدهیم که هر کس در هر نوع سینمایی که به آن تعلق خاطر دارد کار کند. فارغ از اینکه فیلم را برای کجا ساخته یا چه مضمونی دارد. سینما را اصل لحاظ کنیم. چون از این فضا فاصله گرفته‌ام و تلاشم این است که فارغ از قضاوت فیلمساز فیلم را ببینم شاید پاسخ کاملی برای این سؤال شما نداشته باشم. آنچه برای فعالیت خودم در این حوزه شرط کرده‌ام این است که کار سینما را جدی بگیرم و دغدغه‌هایم را با زبانی که بلدم یا تجربه می‌کنم مطرح کنم. عده‌ای فکر می‌کنند باید راجع به آدم‌ها قضاوت کنند. البته شاید خود من هم روزی همین شکلی شدم. برای همین نمی‌توانم رهنمود خیلی درستی داشته باشم.

■ شما در کارنامه کارتان هم بارخشان بنی اعتماد همکاری داشته‌اید و هم به عنوان بازیگر با ابراهیم حاتمی‌کیا. در سابقه فعالیت خیلی از اهالی سینما می‌شود این تنوع را دید اما فضای امروز سینما به گونه‌ای است که انکار باید خط و ربط مشخصی داشته باشی.

همه ما یک زبان مشترک و فضای مشترک داریم که نامش سینماست و سینما برای من قابل احترام و عزیز است. شاید حرفم شعاری و احساسی تلقی شود اما من از دوره نوجوانی وارد سینما شده‌ام. در این خانه بزرگ شده‌ام و این خانه را دوست دارم. فضای هر خانه‌ای یک وقت‌هایی آرام است و یک وقت‌هایی هم ناآرام. ولی در هر حال ما مال همین خانه‌ایم. سعی می‌کنم تا زمانی که می‌توانم برای خود سینما کار کنم.

■ موسیقی از ارکان تأثیرگذار «روز بلا» است. پیش از این با آهنگسازان معتبری چون بهزاد عبدی همکاری داشتید. اولین تجربه همکاری‌تان با کارن همایون فرضایت بخش بود؟

کارن همایون‌فر هم سینما را خوب می‌شناسد و هم فیلم را خوب می‌فهمد. در «روز بلا» کار درجه یکی انجام داد. به همین دلیل موسیقی فیلم را خیلی دوست دارم. از تمام همکاری‌ها فقط به صرف به سرانجام رساندن کار نیامدند و بیشتر از کاری که باید برای فیلم گذاشتند سیاست‌گزارم از جمله آقای علویان و فرزاد هوتهم.

■ در جشنواره امسال به تماشای فیلم چه فیلمسازهایی علاقه دارید؟

صادقانه می‌گویم که وقتی فیلمی در جشنواره دارید آنقدر درگیر فیلم خوندان می‌شوید که کمتر فرصت دیدن کار همکارانتان را پیدا می‌کنید. علاوه بر «روز بلا» به‌عنوان بازیگر «مغز استخوان» را هم در جشنواره امسال دارم که طبعاً اولین فرصتی که داشته باشم برای تماشای این فیلم می‌گذارم. دوست دارم همه فیلم‌ها را ببینم ولی اگر فرصتش پیش نیاید در زمان اکران حتماً به تماشایشان خواهم نشست. جریان قابل توجهی در فیلمسازان جوان ایجاد شده که امیدوارم ادامه پیدا کند. با جوانانی که در بخش نگاه نو حضور دارند می‌شود امیدوار شد که سال‌های خیلی خوبی پیش روی سینمای ایران است. در بخش سودای سیمرغ هم برای من مایه افتخار است که کنار مجموعه‌ای از فیلمسازان کار بلد و درجه‌یک هستم؛ چه فیلمسازان هم دوره خود و چه فیلمسازان بزرگی مثل مجید مجیدی و ابراهیم حاتمی‌کیا.

راهنمای تماشای جشنواره فیلم فجر / چهارشنبه ۱۶ بهمن

۱ راهنما

- من می‌ترسم/ بهنام بهزادی
- سینماهای نمایش دهنده: آزادی ساعت ۱۹:۳۰، مگامال ساعت ۲۲، راگا ساعت ۱۷، شکوفه ساعت ۱۷
- قصیده‌گاو سفید/ بهتاش صناعی‌ها
- سینماهای نمایش دهنده: آزادی ساعت ۲۲، مگامال ساعت ۱۷، راگا ساعت ۱۹:۳۰، شکوفه ساعت ۱۹:۳۰
- عامه‌پسند/ سهیل بیرقی
- سینماهای نمایش دهنده: آزادی ساعت ۱۷، مگامال ساعت ۱۹:۳۰، راگا ساعت ۲۲
- مردن در آب‌مطهر/ نوید محمودی
- سینماهای نمایش دهنده: زندگی ساعت ۲۲، موزه سینما ساعت ۱۹:۳۰، استقلال ساعت ۱۷
- آبادان یازده ۶/ مهرداد خوشبخت
- سینماهای نمایش دهنده: ایران مال ساعت ۱۸:۳۰، فجر اسلامشهر ساعت ۱۶:۳۰
- آن‌شب/ کوروش آهاری
- سینماهای نمایش دهنده: ایران مال ساعت ۲۱، فجر اسلامشهر ساعت ۱۹
- پوست/ بهمن و بهرام ارک
- سینماهای نمایش دهنده: ایران مال ساعت ۱۶، فجر اسلامشهر ساعت ۲۱:۳۰
- لباس شخصی/ امیرعباس ربیعی
- سینماهای نمایش دهنده: آزادی ساعت ۱۶، گلریا ساعت ۱۹:۳۰، تماشای ساعت ۲۲
- دوزیست/ برونیک‌نژاد و سعید خانی
- سینماهای نمایش دهنده: آزادی ساعت ۱۸:۳۰، گلریا ساعت ۲۲، تماشای ساعت ۱۷
- روز بلا/ بهروز شعبی
- سینماهای نمایش دهنده: آزادی ساعت ۲۱، گلریا ساعت ۱۷، تماشای ساعت ۱۹:۳۰
- دشمنان/ علی درخشنده
- سینماهای نمایش دهنده: بهمن ساعت ۲۲، کیان ساعت ۱۹:۳۰
- کشتارگاه/ عباس امینی
- سینماهای نمایش دهنده: بهمن ساعت ۱۷، کیان ساعت ۲۲
- درخت گردو/ محمدحسین مهدویان
- سینماهای نمایش دهنده: بهمن ساعت ۱۹:۳۰، کیان ساعت ۱۷
- آتایی/ زینکی کریمی
- سینماهای نمایش دهنده: ایران مال ساعت ۲۱:۳۰، فرهنگ ساعت ۱۹
- ابرارانش گرفته/ مجید زرگر
- سینماهای نمایش دهنده: ایران مال ساعت ۱۶:۳۰، فرهنگ ساعت ۲۱:۳۰
- پدران/ سالم صلواتی
- سینماهای نمایش دهنده: ایران مال ساعت ۱۹:۳۰، فرهنگ ساعت ۱۷
- بی‌صدا حلزورن/ بهرنگ درفولی‌زاده
- سینماهای نمایش دهنده: ایران مال ساعت ۲۲، فرهنگ ساعت ۱۹:۳۰
- سه‌کام‌جس/ آسمان سالور
- سینماهای نمایش دهنده: ایران مال ساعت ۱۷، فرهنگ ساعت ۲۲
- خوب بد جلفا: ارتش سری/ لیسان قاسم‌خانی
- سینماهای نمایش دهنده: کوروش ساعت ۱۶:۳۰، باغ کتاب ساعت ۱۹
- سینماشهر/ قصه/ کیوان علی‌محمدی، علی‌اکبر حیدری
- سینماهای نمایش دهنده: کوروش ساعت ۱۹، باغ کتاب ساعت ۲۱:۳۰
- شای پروانه/ محمد کارت
- سینماهای نمایش دهنده: کوروش ساعت ۱۷، باغ کتاب ساعت ۱۹:۳۰
- خروج/ ابراهیم حاتمی‌کیا
- سینماهای نمایش دهنده: کوروش ساعت ۱۹:۳۰، باغ کتاب ساعت ۲۲
- خون‌شد/ مسعود کیمیایی
- سینماهای نمایش دهنده: کوروش ساعت ۲۲، باغ کتاب ساعت ۱۷
- مغز استخوان/ حمیدرضا قربانی
- سینماهای نمایش دهنده: آزادی ساعت ۲۱:۳۰، ماندانا ساعت ۱۷، جوان ساعت ۱۹:۳۰
- تعارض/ امحمدرضالطفی
- سینماهای نمایش دهنده: آزادی ساعت ۱۹:۳۰، ماندانا ساعت ۱۶:۳۰، جوان ساعت ۲۲
- روز صفر/ اسدیل ملک‌ان
- سینماهای نمایش دهنده: آزادی ساعت ۱۹، ماندانا ساعت ۲۲، جوان ساعت ۱۷، شکوفه ساعت ۲۲
- تومان/ مرتضی فرشیاف
- سینماهای نمایش دهنده: کوروش ساعت ۱۶:۳۰، باغ کتاب ساعت ۱۹:۳۰
- مستند و فیلم کوتاه
- امتحان/ سونیا حداد
- سینما نمایش دهنده: موزه سینما ساعت ۲۲
- خسوف/ محسن زندگی
- سینماهای نمایش دهنده: زندگی ساعت ۱۷، استقلال ساعت ۱۹:۳۰
- اشغال/ علی عزیزی
- سینماهای نمایش دهنده: زندگی ساعت ۱۷، استقلال ساعت ۱۹:۳۰

رضا بهرامی

کارگردان نمایش «کریملوزی»

در گفت‌وگو با «ایران»:

باید تولید اندیشه کنیم

احسان زبورعالم

گفت‌وگو

در ماه‌های گذشته چند نمایش در مجموعه تئاتر شهر با استقبال خوب تئاتردوستان مواجه شد که یکی از آنها «کریملوزی» بود. برخی از علاقه‌مندان تئاتر و نمایش‌های ایرانی بازی مجید رحمتی را پسندیدند چون به تنهایی روی صحنه حضور دارد و مونولوگی طولانی را اجرا می‌کند. رضا بهرامی نیز از هنرمندان پیگیر تئاتر است که پیش از این به عنوان دستیار کارگردان، بازیگر و هنرمند عرصه تئاتر کودک و نوجوان کار کرده است. وی در این سال‌ها تجربه‌های گوناگونی در کارگردانی داشته است. این روزها نمایش «کریملوزی» به نویسنده‌گی بهرام رحمتی و کارگردانی رضا بهرامی و بازی مجید رحمتی در سی‌وهشتمین جشنواره تئاتر فجر نیز حاضر است. بهرامی چند سال پیش نیز نمایشی با عنوان «سه روز عزای عمومی» نوشته کبهد تاراج با بازی هومن بنایی در کافه نزدیک اجرا کرد و طرح همان نمایش، آغازی بر اجرای نمایش «کریملوزی» شد. کریم بشیره‌ای در تاریخ نمایش ایران مهم است زیرا که وی از تلخکان دربار ناصرالدین‌شاه بود و مرگ او سبب شد تا درباریان در کشور سه روز عزای عمومی اعلام کنند. متأسفانه اطلاعات ما از هنرمندان دوران قاجار بسیار اندک است و پژوهش‌های جدی و کاربردی نیز ناچیز است. هیچ کس هم نمی‌داند مزار کریم بشیره‌ای کجاست! بهرامی در نمایش «کریملوزی» به مزار کریم بشیره‌ای می‌پردازد و این کار را با استفاده از شیوه‌های مختلف نمایش‌های ایرانی انجام می‌دهد. به مناسبت حضور نمایش «کریملوزی» در جشنواره تئاتر فجر با رضا بهرامی گفت‌وگویی داشتیم که در ادامه می‌خوانید.

■ تاریخ قصه‌های جذاب و آشنای زیادی دارد؛ چرا به سراغ کریم بشیره‌ای رفتی؟ در این شخصیت تاریخی این روزها گمنام چه دیدی؟

زمانی که تاریخ را مرور می‌کنیم با داستان‌های شیرین و تأثیرگذاری روبه‌رو می‌شویم؛ اما یکی از دلایلی که موفق به پرداخت فرهنگ و هنر ننشدم، میحت موقعیت جغرافیایی و اتفاقاتی است که منجر به جنگ و تحریم شده است. این مسأله منجر به این می‌شود که فرهنگ و هنر هیچ‌گاه اولویت امور کشور نشود. برای همین باید به قصه‌ها و مثل‌هایی که داریم بخواهی بپردازیم. اینکه چرا سراغ کریم بشیره‌ای رفتم‌ام بازی‌گر در زمانیکه من نمایشی محیطی – کافه‌ای که عنوان سه روز عزای عمومی که نوشته کبهد تاراج و هم گروهی خوبم اجرا می‌کردم. در آن کریم بشیره‌ای تلخک بود. در آن زمان شاه است ولی فاقد چهارراه ولیعصر پرسه می‌زد و به دنبال قیرش می‌گشت. این ایده برای من خیلی جذاب بود. من این کار را چند شب در کافه نزدیک اجرا کردم و نشان دادم انسانی به این بزرگی در حوزه نمایش ایرانی چر نباید مشخص باشد قیرش کجاست یا اینکه آدم‌های تأثیرگذار مختلفی مانند کریم بشیره‌ای چرا نام و نشانی ندارند. در حالی که می‌توانستند مؤلف باشند و ما امروز از آنان بهره ببریم. بنابراین به سراغ این شخصیت رفتم، کریم بشیره‌ای که تلخک ناصرالدین شاه است ولی فاقد هر ترسی بوده است. با زبان شیرینش دغدغه مردم را برای شاه بیان می‌کرده و هم مشکلات شاه را به زبان طنز نقل می‌کرده است و شاه و درباریان را از مفضلات آگاه می‌کرده است. پس از سه سال می‌خواستم کبهد خودش بنویسد. او درگیر مشکلاتی بود و نرسید

نمی‌توانیم همچنان همان گذشته را داشته باشیم. ما باید از همان شیوه بهره بگیریم و برای امروز به درستی از آن استفاده کنیم. به همین دلیل حرکت را قبول دارم و نمی‌خواستم تمرکز را بر آن شیوه‌ها قرار بدهم؛ بلکه می‌خواستم یادآوری کنم ما اینها را داشتیم و می‌توانیم از آنها استفاده کنیم و به راحتی کار کنیم. ما در نمایش‌های ایرانی صحنه آنچنانی نداشتیم؛ اما امروز از دگرهای عظیم و عجیب بهره می‌برند. نمی‌خواهم بگویم این غلط است؛ اما طراحی صحنه بر کاریردش معنا می‌یابد. در برخی آثار نور و دکور کاربردی ندارد. بازی استیلیزه و مینی‌مالي که استفاده می‌شود در نمایش ایرانی وجود داشته است. نیازی نیست ما برویم مکتب‌های غربی را مرور کنیم. اگر کمی درباره فرهنگ و تمدن خودمان مطالعه کنیم به این استدلال می‌رسیم که حرفی برای گفتن داریم. ■ بازی مجید رحمتی در تمام اجراهای صورت گرفته به شدت مورد تشویق قرار گرفته است. بین تو و مجید برای این نقش چه گذشت؟

ما تقریباً بیست سال است همدیگر را می‌شناسیم. تجربه قبلی هم داشتیم و با هم چندین کار داشتیم. من با مجید و بهرام بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ گروهی داشتیم و با هم کار می‌کردیم. گروه ما بعداً از هم پاشیده شد. من جسته و گریخته با مجید کار می‌کردم؛ ولی بهرام دورتر از ما بود. مجید را این گونه می‌توانم خلاصه کنم که به شدت آدم باسواد و با استعدادی است؛ اما به عنوان یک هنرمند بایستی چیزی که شخصاً خودم هم به او گفته‌ام رعایت کند. او چون دلش برای تئاتر می‌سوزد، بیش از حد خودش را خرج می‌کند. زمانی که قرار بود این کار را شروع کنیم، ابتدا به ساکن بهرام رحمتی بازیگر نمایش بود. بهرام اعلام کرد که به حضور در نمایش نمی‌رسد، مجید یکی از دوستان را معرفی کرد و چهره هم هست. من به مجید گفتم می‌خواهم خودش بازی کند. دلایل را گفتم. گفتم تو با استعدادی و نمایش ایرانی را هم خوب می‌شناسی و می‌توانی با ما کار کنی. روزی که تأیید را از مجید گرفتم و خواستیم کار کنیم، در حین گفت‌وگو درباره متن، به مجید گفتم می‌خواهم شما در طول نمایش چشمانت را چپ‌نگه داری. گفتم تصویری که از مجید می‌دیدم، در حین گفت‌وگو که چشم‌ان شخصیت چپ است. اگر به بازی سیاه‌ها در نمایش ایرانی دقت کرده باشی چپ بودن صورت و چشم و لب و دهان در بازی‌هایشان زیاد دیده می‌شود. گفت چالش خوبی است و استقبال کرد. وارد کار شدیم و

من در ایده اولیه که از طراحی داشتیم این طور بود که فضا باید قبرستان باشد. ما چهار ماه تمرین داشتیم که دو ماه به خوانش متن سپری شد. ما گپ می‌زدیم و بالا و پایین می‌کردیم. من اساس کریم را که پیر است برای مجید توضیح می‌دادم و اینکه چگونه قالب می‌شکند و به شخصیت دیگری تبدیل می‌شود. درباره مهندسی صدا و تکنیک‌ها حرف می‌زدیم. ارتباط من و مجید، با وجود بزرگتر بودن مجید، ارتباطی چون پدر و پسر بود. کار سیاسی، جشنواره شکوف می‌شود. اگر مسؤلان جشنواره فخر ترس و سانسور را کنار بگذارند، اگر متوجه شوند که ما نمایش تولید می‌کنیم نه کار سیاسی، جشنواره شکوف می‌شود. نقد اجتماعی همیشه وجود دارد. از رأس دولت تا ذیل جامعه این حق را دارد که نقد اجتماعی داشته باشد. در این نقد تلنگر هم وجود دارد. به یکدیگر انرژی مثبت بدهیم. خیلی همدیگر را به چالش کشیدیم. من و مجید مدام به هم ایده دادیم. من خیلی جاها را قیچی زدم که به فضای مناسبی برسم.

■ حضور چنین نمایشی در فجر کمی می‌تواند عجیب باشد. نمایشی که به سنت‌ها گره می‌خورد و تبعیضی به جشنواره دیگری است، این بار در فجر است و ملول از امید. چرا باید چنین نمایشی در فجر باشد؟

من با این مسأله مخالفم. از اینکه چون کریملوزی آیینی و سنتی باشد و حضورش در فجر مناسب نیست را موافق نیستم. اگر این کار باید در جشنواره‌ای باشد باید در فجر باشد نه آیینی و سنتی. فجر فستیوالی بزرگ‌تر و باتر است که بین‌المللی‌تر است و ما می‌توانیم در این جشنواره نمایشی ایرانی در معرض دید قرار بدهیم. قرار نیست این تصور ایجاد

شود که همواره غربی هستند یا برگرفته از متون غربی. ما از خودمان چیزهایی داریم و این ضعفی است که سال‌هاست با آن دست و پنجه نرم می‌کنیم. اولین چیز در نمایش متن است و ما متن خوب متأسفانه نداریم. یا تفکر خوبی به عنوان نویسنده نداریم یا آن نویسندگان خوب هم از طرف مسئولان سانسور می‌شوند که دیگر چیزی برای ارائه ندارند. اگر مسؤلان جشنواره فخر ترس و سانسور را کنار بگذارند، اگر متوجه شوند که ما نمایش تولید می‌کنیم نه کار سیاسی، جشنواره شکوف می‌شود. نقد اجتماعی همیشه وجود دارد. از رأس دولت تا ذیل جامعه این حق را دارد که نقد اجتماعی داشته باشد. در این نقد تلنگر هم وجود دارد. به یکدیگر انرژی مثبت بدهیم. خیلی همدیگر را به چالش کشیدیم. من و مجید مدام به هم ایده دادیم. من خیلی جاها را قیچی زدم که به فضای مناسبی برسم.

